

نمبره محل و پنج

اداره مرکزی جبل المتین
کلکته لوچیت پر روه نمبره ۲
کارهای مطبوعه اداره ابراهیم
جلال الدین الحسنی المتخلص به
ادب است و شش ذمه
شهرهای اثنای سال ۱۳۱۶
مطابق ۱۷ ماه آگوست ۱۳۱۶
هر دو شنبه طبع شده تقدیم

سال پنجم
سنه هزار و سیصد و یازده

۵۲۹
قیمت سالانه و اجرت

هندوستان و برده رویه
ایران و افغانستان و غیره
اروپا و چین و سینه و غیره
ممالک عثمانی پنج مجدی
ممالک روسیه و سبوات
یک نسخه هندوستان چهار آنه
ایران یک نسخه

حکومتین

بدون قیمت نمونهم احدی سواره بخواند

دین از کوه و قاصد و سنای و معنی و کوشش است و مقبول و متساوی و از راه او و عدم مصلحت و اذیت
و درین مملکت هر کس که می شود سلامت یافته و در این راه از هر دو صورت رخصت

(فهرست مندرجات)

درین مملکت شخصی مثل آلان قانم و غیره و از آن مملکت شخصی مثل قوت که در این
مالیه نیز نامی از حالات آنهاست این قانات در مجموع هفت است این هفت را که یک است
که در این بناوت یک است می خوانند
کند و در روز بروز اهمیت پیدا میکند که مال از دست او کتیک بر ما چیده بودیم
دولت بود از راه دولت یک کتیک قوت پیدا که بر نوبت باشد دولت یک کتیک باشد
از حقوق خود دور و در برزاد دولت فرانسه هم دولت بود خود را هم بر ما کتیک
از حقوق خود می نشاند و در روز بروز بر ما کتیک بر ما کتیک این دولت هم حقوق خود را
می نماند از جانب بر علم گنجان بلکه قانات می آید هم پس بر ما کتیک دولت
پس روز این مملکت می آید ولی مملکت کتیک
کریست که میگوید که شب هم خوف و با آن در نیست اول اول این مملکت
و در کتیک که در کریست از قبضه حضرت سلطان فارسی فرود و به کتیک قایم است
دولت عثمانی جنبی از قون دولت شاهی الهیانه در کریست باقی مانده چون از طرفین
شده است یکدیگر در غمی که در مملکت بود رفع شده است

سیاسی - جموع اخبارات تلگرافی و غیره - تلگرافات خارجه - بندر و کاس
دوره و تجار و قلم - قابل بعد از آنکه از آن - ایضا - الناس اهل ابروش
اخبارات تلگرافی - حکایه و اسامی ایرانی باشن سیدی - مقالاتی از دانشمندان
استرالیاد - کرمان چوستان - جبل المتین - حصول سید جبل المتین - قابل و کتیک
قال و چوستان - شهر تا تف و حالات خارجه - قوت تلگرافات خارجه - کلکته

(سیاسی)

درین هفته تلگرافاتی که در باره چین فرستاده است سراسری که دولت
چین را می بیند که ایران فرزانده که با میان چین دشمنی کرده اند در این
دره قون فرزانده بر سر چین نماند که در کشور فرزانده سلام است که
مناسب است که در کشور چین حال نماند که در اول هم چنان خود می کنند
پس سید فرزانده صریح نموده همان صریح را در اول یک هم مشک که در حومه حال
می نماند از قون چنان مستند می شود که باید فاتح چین را خواند
جستنی از سیاستون را برای بر اینست که خاقان چین را قتل رسانیده اند و
اعلان تیرا که سید بهنده در میات خاقان در یک است اما که مسائل مملکتی
چین را به قوت اقتدار او در رفته رفته جز فرات پادشاه را اعلان چینه
اگر چه به سیاستون زنده و در رفته خاقان نیست چین یک مله دارد
یکدیگر و نام بر که سید زنده جنگ
اختلاف قون شده است هم که مسائل سیاستی خیلی اهمیت پیدا کرده
و کار روز بروز و حکام مالیه و شمار نموده است جبنی را خیال بر آن است
تقریباً نماند بهت سلطنت جمهوری فرزانده نکو معلوم نمیشود و در نیست که در

ولی در هر یک صورت ملاحظه شود وضع نصاری و ضمان سلام در آن صورت است

که در کتیک لا را اخباری دارند تا بعد از کتیک
(مجموع اخبارات تلگرافی و خلاصه)

در صورتی که درین هفته در من طاعون تری کرده خصوصاً در سینه
که روز بروز زیاد میشود و حال آنکه به سنوز موسم سرما رسیدگی است
مندان در کس که این هفته در من طاعون در کتیک روی هم
رفت روزی می روج نماند و می نماند شده اند شکله هم در من
طاعون خیلی شدت کرده است که اگر خیلی خفیف است و در کتیک روی هم

ملکداریات خارجی

بیست و دوم حسای اول برایش میل برار و در آن وقت از کار کشیده و تا یکی دوره در دیگر شصت هزار خولند رسید قشون بیست و دوم دردم و آستانه کا طلب شه و بیست هزار سپاهی بیست و دوم رسیده بود و بقول روزنامه اول آریکه روسیه اندکس ایتالیا در راه ایتالیا که ایتالیا من باب کریت پیش خود اهلبار داشته اند که اگر ایتالیاییان خود را در اول صلح نام را من باب کریت قبول نرند دولت ایتالیایی یک مرتبه دست از ایتالیایی کریت بشود

حسابات تیم برلین می نویسد که با محضرت امپراتور آلمان فرغ از راه بازگشت بیست و دوم حسای اول از خود داده و استماع هیچ استکان دارند بیست و دوم حسای اول از چهار ماهه تا آخر طوم که یکصد و هشتاد و پنج نفر است و در راه با من راه این خواهد شد تخمیناً هجرت آن پنج نفر چون چهار ماهه از راه رسیده است

وزارت معین باز دیار قشون روسی که بیست و دوم حسای اول است

همه در مسافرت نموده

بیست و دوم حسای اول در راه مسافرت می کنند و اسلحت مبارک است

تخمیناً کلیس از زیر خار برده اند و در سپتامبر ۱۸۹۰ مطلق نموده بود که در راه اولی میل بیست و دوم حسای اول از راه دولت انگلیس عالی می باشد و سائر راهی می شکند که تصرف نیست

لازمه ساله بیست و دوم حسای اول در راه مسافرت و دولت انگلیس را اطلاع داده است که روزی چهار روز در راه رسیده اند و آوری کند که تمام مالک سوادان تحت حمایت و رعایت دولت انگلیس است و هلاکت بود ان حق غیره است

زبان و معین لازم بیست و دوم حسای اول

تخمیناً دولت انگلیس وقتی مراتب را روزی چهار روز در راه رسیده اند و در راه مسافرت

اندر کار کرده

حکومت که برار چند کف داد و اقباض نموده است نموده

لازمه ساله بیست و دوم حسای اول در راه مسافرت و دولت انگلیس را اطلاع داده است که روزی چهار روز در راه رسیده اند و آوری کند که تمام مالک سوادان تحت حمایت و رعایت دولت انگلیس است و هلاکت بود ان حق غیره است

زبان و معین لازم بیست و دوم حسای اول

تخمیناً دولت انگلیس وقتی مراتب را روزی چهار روز در راه رسیده اند و در راه مسافرت

اندر کار کرده

حکومت که برار چند کف داد و اقباض نموده است نموده

اگر خون فانی از راه رسیده و تقسیم که سابقاً از ایتالیاییان و در راه مسافرت

بنا بر آرزوی خود دست بردارند

حسابات فرانسوی در خلاف دولت انگلیس می بینند و دولت فرانسه را ترغیب می دهند در جنگ با ایتالیاییان

لازمه ساله بیست و دوم حسای اول در راه مسافرت و دولت انگلیس را اطلاع داده است که روزی چهار روز در راه رسیده اند و آوری کند که تمام مالک سوادان تحت حمایت و رعایت دولت انگلیس است و هلاکت بود ان حق غیره است

زبان و معین لازم بیست و دوم حسای اول

تخمیناً دولت انگلیس وقتی مراتب را روزی چهار روز در راه رسیده اند و در راه مسافرت

اندر کار کرده

حکومت که برار چند کف داد و اقباض نموده است نموده

لازمه ساله بیست و دوم حسای اول در راه مسافرت و دولت انگلیس را اطلاع داده است که روزی چهار روز در راه رسیده اند و آوری کند که تمام مالک سوادان تحت حمایت و رعایت دولت انگلیس است و هلاکت بود ان حق غیره است

زبان و معین لازم بیست و دوم حسای اول

تخمیناً دولت انگلیس وقتی مراتب را روزی چهار روز در راه رسیده اند و در راه مسافرت

اندر کار کرده

حکومت که برار چند کف داد و اقباض نموده است نموده

تجدید تقیاس

دفاع بخارج الملین میسر بود که کجسین بکمرگت کمر الملکوت آقای میر السلطنه از بندر عباسی بوشهر حضرت صدرت علمی نکر آقا جناب امیرالامراء العظام آقای دریا یکی را بنای الملکوتی بنامد و منصفه موده از طرف الملکوتی یکی مسالما حکومت عباسی منوشتر عبر الملکان علی محمد حسین امین التجار شده تجتاز بوشهر و عباسی از استقامت جدید بنای الملکوتی کمال بنایت را دارند که چند مرتبه مسلطه جهانی بنای آب بندر عباس شده که اگر دولت علیه ده هزار تومان در وقت خرابی کمال بنام عمارت بندر عباس ماری خواهد شد در عرض دو سال آبادی عباسی دو گونه خواهد کرد و این ایام از نبودن آب بنیایک و دم پیمان در تکلیف از آب خوردن کشا منجر شده به آب چاه بکلیه قتل صحت عمومی است و در حال دولت علیه درین امر هم میار لازم باشد اوردیگر کوشش بود حکام از ضرورت آن که همانا مسئله بندر عباس است و مسئله قیمت ساخته شده و نسبت سابق تجارت عباسی زیاد شده است ازین رو این مسئله کفایت نمود آوردن آل التجاره را زاده و علاوه برین مسئله بکوره شکسته و اگر بزودی دولت حکم به تعمیر آن بکنند باعث خنده کلی خواهد شد امروز مبلغ قلی منیران تدارک کرده ولی پس از خنده ابی باطل کثیرین خواهد فرست

مردود تجار محترم

از غره از یک طریق وثوق با داره خبر رسیده است چهاردهم شهر جمادی الاول بوشهر که تصرف فرمان سنی رئیس بانک شاهنشاهی بود و درین مدت اسبابه تاز که خواره و زنت تجار شده از بانک گرفته بدست مالیات دادند این خبر خنده بزرگی است بودن کرک بدست فرنگی با حضور کرک بندری شل بوشهر از روی سیاست مخالف است چرا که آنچه بخواهند از طلا و غیره وارد خاک ایران کنند بدون هیچ مانعی میستوانند غذا و غذا و این مدها بگنجش از چهاره بر کنند وقت بر قسه را در و غذا و این بانک که پشت همه را با خزانی ایران شده و میشود از ایران کم کند و این امر هم نشانه قریب الوقوع است

امیرالامراء العظام آقای دریا یکی اسماول وقت بخان معاملات ملکی و انتظام این بندر مستقیمت و عموم لبعات کمال رضامندی را دارند که از غره بمسرح شاهزاده محمد علی میرزا سهام الملک حکومت تبار نامور شده اند

از آنجا که در این زمان مهال ذکر کرده است میباشد بلکه بدتر شده همسایه بیک هم افزا است نشانی زده یک چهارم یکی خود را هم فسه داده است شاید هم حذر مایای خود است بی اگر از بد و ارجو گیری شده بود که با بیجا می کشید علاوه برین در بد و ارجو صرف طیل رنج این عالم میشد او در مصارف کلی خواهد شد بدون حکومت مستقل در بنادر این گلهای با برمی آورد و صرف میار نیستوان زود دریا یکی مری بود که با دو دست تنگلی که از بندر عباس تدارک کرده لغزرا اسن میکند آقای میر السلطنه از روی آل ذی شعی صلاح دیدند تا خودشان نیاید اقدام در امری شود بهر صورت این وقت اندک ماده غفلت پیدا کرده تا حکومت بالا استقلال با او امسکه نامور بوشهر نشود صورت بیرون با در نیست

قابل توجه ایالت ما زدن

درین طریق بندر شهید مرتضی دو فرسنگ نیم راه است که در ایام زمستان مسجور و در آن نهب و تاراج است خصوصاً در جنب کمر که تا نیمه سال چهاره تومان بختار و غیره ضرر میرسد در سختی این راه همین بس که مال التجار در ایام زمستان ازین دونه سنگ راه دوزخه وارد شهر میشود اگر حکومت با تجار محترم قرار ماری که در فی بهاری و شلی بهی بند بجهت سنگ فرس کردن این راه یقین است بهر تجار قبول کنند هم داخل بکمر میرسد هم مال التجاره تجار غره ابی نمی شود و نیز تطلکت هم آباد مسکه

ایضا

باغ دولتی بار غره و ش از بناهای شاه عباس صوفیت میستوان گفت در ایران کمر تالی دارد چهار فرس است این رو به دجه ارم امورش شمسه حج گاه بیار خوبست میدفع واهی هم میشود چند سال قبل بی از بجهت کی ساخته اند این باغ دو دستگاه عمارت و یک باب حمام دارد در جنب سز و در کبات هم زیاد است عمارت باغ بقدری وسیع است که گویا شمسه در این عمارت بوشهر قدم تو بر و بجهت بی آورده است که در بد و ارجو تعمیر اولادها میشد زیاد و بهر از کون مصارف بر میزد اسماول هم مرتت خود بکمر تبار میانه خواهد رفت مصانف بسیار یکی باید که در سال گذشته سمار و هندی آره فرمایای باغ را باز دید که در ذابدا آنکون صدائی بلند شده باغبانی دارد بی حروت یا تنگ از دولت و طیفه بکمر در جنبه ابی باغ نسبت منصفت شخصی خود زیاد که برویگان سالی است بهر قی المراف باغ را دوم تصرف شده اند امید است که ایالت علیه تو به تقاس درین امر مبدول دارد

التاساس الیاری روس

از آنکه از راه های خارجی میسر می شود شهر دو باب کار و سفر را با کوه کوه
 یکدیگر که تمام قوت میری این شهر که زیاد بر یکدیگر می باشد و آن کاروان
 سه اسکونت دارند در دهگاه ماشین چندینی در سراسر است و زنی با او
 از چهل هند و از پنجاه یک می کنند سوخت این ماشین با از تخم پنبه می کنند
 تخم پنبه بسیار منغن است و در پوش تمام شهر را ملایم می کند خصوصاً خانه ها
 اطراف این شهر که کاشش کرده اند و فرا می کنند که باهنگام مبارک رمضان خلق
 این شهر را بی العموم از بیت می نه اگر ایالت ملایم و معنی مناسبت می دهد
 که این ماشین با او بر سیدون شهر قرار داده می شود تا اسباب راحت و کار
 اهل این شهر را فراهم شود و این بر یکجهت تجار از آنه تصانی هم ندارد است
 که ایالت ملایم و معنی منغن می باشد اول می باشد

اخبارات داخله

والا حضرت نظام در یوم مولود خود که سال که می گویند سر و قاراله و دلیر
 باین ماه خطاب داده اند
 بموجب بیروت حکم راه آهن سائنس راه آهن را بیت آباد اصفه کمال
 تجارت فویع دانسته شروع در سائنس خواهد شد
 در آباء مس غانه که ای مسی قی بسیار منغی شده و در سبب سلام نیست منی
 می گویند خواهد بود
 امام عبد بزرگ ضاری ترخمومی را در آنکه از راج خواهد کرد که بجای دو آذین و یک
 از طرف انگلستان قبول بردارد
 آالی مسی سلیمی اند که از طرف حکومت این قائم شود که تدارک این شهر
 در شهر در ضمن را خواهد در کلکت هم تدارک این را بسیار لازم است
 راه آهن مسی سنگ جمال پور تمام شده درین ماه استیاج شود و در کلکت
 که کلکت در روز شنبه فوجی حکومت هند نیز میست الا حضرت لاره الکن
 یک سال لندن خواهند رفت
 مسی چهارم شهر جاری خیالات حکومت هند را من باب به غیر با دریا
 طایر خواهند بود و از نظر از سر در بان را شان فویع خواهند کرد ولی از غیر فویع
 میگویند که در سبب این که درین حکومت منی قنصل خواهد داد
 در کلکت و در کلکت از راه آهن کشیده خواهد شد علی العموم بسیار راه آهن
 که در کلکت است
 از فیروز پور تا کت راه آهن که یک است به است و آن را در کلکت

توصیف یک لیون شش پاره و چهل و سه پخته و چهار سیل نیم سال
 این آهسته منظر شده است که راه آهن کو با بار اطمینان تر از آهن را چندان
 و انور و جو و چو و یکا نیز می نمایند
 یک راه آهن منحصراً از راه های که از بار است و مع شده از راه های کلکت
 و بیانات شرح می شود

در سالک سبزی و شالی نصیبها امید است که در سبب راز هر چه خواهد بود
 به نام روز افزون زیاد می شود
 در سبب سبزی منغی واقع شده و در مکان خاک می شده و در فضای بلای هم
 خیالات حکومت هند را من باب به غیر با دریا خواهد شد
 و آب و روان توکی بر یک دو هزار تن مسلح اما در هر دو راه خون می
 بود ایک طریقین بر صحنه رخ داده اند

از خوف طاعون اسال در سبب هم در بار عام خواهد شد
 شش کی که بگرس زده و از آنکه به است سلسله بیانی که بگرس و باران
 الی در نظر المذنب فرستاده میمال خود شان این امر که بگرس را قوت می
 فشن در هم جوان نام اقا ناظم شاه را با کمال فتنه و توقیر و احترام
 و خصلت مبرات زیادای هم نموده اند خداوند رحمت کند
 بیست و آزار زمانه که در شمس با با عاثره درین استیصال و سلسله می
 ده هزار و پیر جمع شده است

حکومت بران چندین سیر افغانستان از لندن و اسرود و پور شده و کار
 بسیار کابلیت تهیه کرده اند و از آنکه به است افغانستان دیده اند
 برادر و اسوکار قاتل انگلیسان بود و در این شهر کت قتل کرده اند
 در قتل و ای بیاری از راه با فاش شود
 از سنبل قید فغانه اگر در غیر صحنه فساد کرده و در کلکت و در کلکت
 که در کلکت نیاروند

مسلمانان در اس مخالفت از با قوانین طاعت و به کار می شود
 رفع گردید
 تجویز شده است که در شکوری قتل ساخته شود که در کلکت و در کلکت
 و الی این لغت می کند
 یک سبب کشتن به راه نهند است که مالک کردن و در کلکت
 با این و میان احوال با نام لندن شده که در کلکت و در کلکت
 در حالت بلوچی هند با آب و فرا هم است که حکومت خان منغی فویع خواهد

مسکله ستیاح ایرانی با شخص هندی روز پارزدهم سنون چهارم

هندهی - آقا صاحب خبری که در ایران شهر است که از برای همان قسم
طعامی بر سر کلام کرده که اگر خلافت آن قمار شود میزان رزق و کثرت آن
کردن در رزق و کثرت مجرم و مستحق بی پس کردن است

ایرانی - مولوی صاحب روز سوال عجیب فرمودی شکسته بجزین صورت
و استطاعت میل خاطر وجود و بخل خود هر چه خواهد پسند خاطرش آید برای
فنداریم میکنه که شل سرف انشیده در هر خانه هر چه باشد همان هر که باشد
و در عجب میگویند فایده اجود بدل موجود

هندهی - بی آقا صاحب هم عالمین است چنین نیست که بی خبر فرض شه ولی
سال هزاره و صد فود و شش هجری شهر زرتشت بهر بارش کجای از

یکی از ابالی و رعایای اصفهان شنیدم که او را مورث تعب ثانیاً با مش جمالی
شد که شاید در ایران بر خلاف تمام دنیا اگر موافقشان نخواهش همان
نشود از جسد هم محبت و آن کجایت چنین است که در ایام وزارت میر محمد
نائب الکریم اصفهان که دیوان خانه هم سپرده ایشان بود شنبی بعضی از

دیوان اطلاع دادند بنحی که در فلان خانه مجلس شریفی شده است خان
حکم فرمود که تمام اهل مجلس را حاضر نمایند و شهاب خان نیز حاضر شد که بر
عینش بود و نه سامان لربی بلکه مجمع جمعی از اشراف مجلس حاضر شدند از مردان بی
که شوق گفتگوی خود بود و آنها را در دیوانخانه حاضر ساختند بعد از تحقیقات

و معلوم شدن آنکه خلافتی از آنها سر زده خان مذکور از صاحب خانه پرسید
که از برای جهان عزیز خود چه طعام ضیافت بر سر کلام کرده و جواب داده بود
نان و آب گوشت خان هر سه در صحنه فیه و بر افروخته شده و داشت
و چوب فرا شهاب را سر زده را در هر شکسته که در شهر اصفهان با و فرستهای

چسباید از برای همان آب گوشت همی باشد اما اصل بعد از زقیه کامل
و اند دست در دست و بگک و شلاق فلک از ارضت فرمودند

ایرانی - بناید این مطلب اصل و حقیقت داشته باشد اگر چه گاهی شور میشود
زبان شوری که خان هم نمید

هندهی - مطلب یکم میگفت که قبول کردن آن از این مسکله است
ایرانی - خبری است که در هر چه ممکن تازه شکفته است

هندهی - میگفت که پیر مردی از مکان سده اصفهان را وقتی بخواد
و عقیده نمودند بعد از انقضای سه روز که در قید من و فرمودند که آن مکان

او در قبالی بخان قدیم کرده اورا از قید با ساخته مرد پیر از خان
جویا شده که خبر هر چه خیال میکنم تقصیر و خلافتی در خود سراغ ندارم حالکه در ده بروم
در رعایا از من جویا شود که بخت گرفتاری دادن جویا نه بود آنچه بر جانبا
مسکله و بنزاید تا همان را بر رعایا بگویم خان فرمودند از مثل من پیش سیدی
قیح است کرده از روی کار تو ریش سفید بردارم و راز تو را آشکارا بگویم
ایرانی - این مطلب را باید عاقلانه و مطالب اول و دوم است

هندهی - از جهان مسافر شنیده که میگفت روزی لازم بخان شخص شکسته
در بازار دیدم بنحی که صد نفر از کسی باوریده او را اجاره و قمار در دیوان خانه
بشد از شخص همان معلوم شد که از قمار زمین خورده و در شش شکسته صلاح چنین شد
که قمارش مبدل بگرد و تا از انگونه صدات حفظ نماید هر کسی را گرفت بگرد
قمارش در طریقه فر کرد

ایرانی - حقیقت ندارد تمام که است

هندهی - آقا صاحب اگر اینکو مطالب بی اصل بود حقیقت داشت
و کارهای زشت او از پرده بیرون نیامده بود چه جهت داشت تمام شهر که
تندی و جفاها و شکایت ظاهر کرده چهار روز تمام و کانه بازار با بسته بود
و آخر کار مطالب حضرت اشرف الاصل سلطان معلوم شد او را و بجان او را
از نکوست غل نموده جویا نه های ده ساژ او را بر رعایا در نموده

ایرانی - آنچه شنیده ام بهیچت کندم دیوانی این شورش بر باشد بزرگی
وضع آن نموده

هندهی - اگر از هر دو سدی باشد چه نقصان دارد

ایرانی - خدا دانست که کار فلک ایران چگونه عیوبات دارد چون بنده
از اهل اصفهان ختم صدق و کذب این مطلب را نمیدانم

هندهی - امروز خیلی اسباب بداع شاشدم از من بکنده خاطر نموده آنچه میگویم از
راه و در نیست فرضی ارضی ندارم که بداید از این ایرانیان گویم اگر خلاف ملاحظه
شریف شده امیدوارم

ایرانی - خیر خیر ابد فلک نمیشد بلکه آنچه بنزاید تا از این میدانم
هندهی - بنزاید که در ایران چند دستگاه چوب و فلک در کار است و بر پای
حکم از میورد

ایرانی - دستگاه اول حکومت دو نام است یکی که در تمام شهرش باشی چه نام
یکدیگر یکی هم شکسته است ششم کلا نتره هفتم ننا باشی با ششم شکسته است
هم در دو سه هم که خدا یا بگویم شش باره و از دو هم هر چه کثرت شلی از روی

چوب و فلک دارند

هندی - اینها کهنه سوده مال دیوان بیست و کسان هستند که از میان
ماوراء از سلسله ارباب بازرگانان علم چند فرقه صاحب چوب فلک
ضرب فلک یا شمشیر که با ایشان گرم و سرد پای مردم از ایشان گرم
ایرانی - اینها قباچه اول نام همه دویم شیخ الاسلام ستم قاضی
چهارم حاجب الصدر خیمه و العلماء کس العلماء اینها دارای چوب فلکند
و باقی باقیست که مکران میفرمایند

هندی - پس مایا اینها چگونگی با سلوک رفتار نمایند که ستره نیست
واقع نشوند

ایرانی - رعایای ایران مانند بنده فاش باید پیوسته در کعبه وجود باشند
تا آسوده شوند

هندی - امیدوارم امروز کار را زنی دارم شاه آله الدین بکدام قاف
مختل خواهد شد

(مقاله یکی از دانشمندان)

(احتیاج)

کلمه از دوزخ بیست و شش روز تا بخلو که جز به بیست و شش روز
سعادت ثروت یک ملک اساس است معارف است پس از هر چیز
بیشتر دانش و سخن و دانش ما جمیع چیز بدون معارف مکن نیست
اسباب هر نوع سعادت سعادت به نسبت به معارف است

موجود عالم نوع بشر را در بیلیغ خلق نموده است که با آنها میداند با آنها نیست
نیست و از یک نفر از تارک جمیع عوالم ضروری خود عاجز است
همین نکته در بیلیغ بودن انسانی را که اوست است و بیلیغ است
تخمین سبب حصول نیست بهت چنانچه معارف است

زیر آنکه معارف که تاثر بریده آن میراث بخش عقل است بی معنی است از آن
ثروت و دارائی و قوت و توانائی موجوده خود به سید اجابت نموده
و نمایند نخست نشرو ترمیم معارف و در تشکیل و تکثیر هر چه ای که ناگون
غریب اللیل است (یکست صدانه آرد) و واقعا نیست کار یک
ثروت قوت یکباره ارک شود با کاری که با ثروت و قوت معنی تدارک
میشود قریب و قیاس قبول میکنند

از و پانچامین قوت ثروت خود را در سایه همین دو دار هم به دست آورده
باید در تشکیل شرکت خواه که یک خواه بزرگ چه فواید بزرگ و سود پای

شرک برداشته و بر میداند چه میکند

ثروت و قوت و شوکت انگیز تا تا ما در سایه مسامی شرکت بهمان
مایل شده است

موقت به دست آوردن و غیره به نفعی قطعه سوده منهدمان
شرکت مستلکات قوت انگیز است

چون فواید معارف و شرکت بزرگ به اوست رسیده و نیست که از پیمان
تخمین محمول انکار خود را بتوسیع معارف و تکثیر شرکت و پیمان صرف نموده

برده شرکت بگیرد نماید ثروت ملک بهمان در بر سینه از زیر فکر و قوت
و بهت گرمی در یکجا جمع شود یک قوت فوق العاده بزرگی حاصل شود

و با آن قوه شرکت کارهای بسیار بزرگ انجام گرفته که سبب حصول از و
سوءنیت ملک و فساد ثروت انالی میگردد در هر ملک که معارف و تجارت

و صناعت زیاد است بل شیدا ملک سوده آید و است از برای استفاده از
و صنایع و اسطه بزرگ تر و وسیله از برای شرکت یافت میشود

در هر کلی شرکت تکثیر نماید از برای قزای انکار زیاد یافت شود زیرا سبب است
و العوضه دار العاصه نامی شده و با قزای ملک دخل آنها شده میسر میسر

گرفت از قوه و قوت انالی خواهد یافت اگر یک فواید انالی شرکت است
و در روز فایده برداشتن از شرکت را میبیند و پایه صنایع او را بفرستد

روز بروز همگی را آرزو و پرس است و او به سببت میزدانند با آنکه
اداره حالت عالم معلوم میبود است بازم در ملک ایران اینگونه تکثیر

عمومی عادت نشد و بالعکس در شرکتهای خصوص هم سبب عدم صلاح از وضع
و قانون شرکت و دانش نامی که درین دوره دانش از بزرگی و دانائی

نهاد داده و گویا از برای اکثر تجار ایران نیست نامی شده است انواع
زاعها ما و دانش از بیایان رسیدن شرکت شده و متاسفانه که لازمه

شرکت است حاصل طرفین نگردیده سهل است از عدم دانش و پیش طرفین
از هر کدام تصور آن کوری که بیایان در اکثر شرکت و دانش و شهر است

دست داده بی سبب نبرد کوری که یک کوریده و ناموس خود را بدهد و اسطه
ویندار که عالشان بر ذوی العقل و الالبصار بر من و آراحت بهر پای

نام نمودن طرفین صرف نظر از اصلاح ذات البین نمودن سهل است
از فساد خود و دانش نمونان که بر همه جوار جمع بلکه نامی در حال و جسمانی که

دیگر از بیایان قیاس بر تمام مینماید و عرض میمانیم هر دو سال یکبار شده
اینست که با سبب از شرکت شرکت حاصل شده است اینها تکثیر است و بیایان

اینست که با سبب از شرکت شرکت حاصل شده است اینها تکثیر است و بیایان

قوم قریب نجیب ایران باین پایه منزل نموده و تک اسلاف خود کرده
 علی این شرکت که در اینجا بکاریم انگونه شرکتها نیست که بیس امد
 وضع شرکت با اطلاع راست کار کرده و در تمام حصول تریاضی و من
 ابای وطن باشد و در این باب انگونه شرکت بعدی محتاج است که اگر
 سال بکاریم سخن درجهان احتیاج را نتوانیم نگاشت
 شرکت چون عبارت از استمداد و اتفاق ابای وطن لهذا است
 اتصادی میباشد حصول سلامت سعادت وطن را وسیله بزرگ و قوت
 دولت را ابالی شرکت

اگر در ملکات شرکت با امنیت قوی موجود شود تجارت صنایع مارتقه
 خواه نمود و از ترقی آنها فایده که ترتیب آنها شامل حال جان بکار می گشت
 نیست بلکه بیست اجتماعیه شالست اما تشکیل شرکت منوط به این است
 نگاشت که هر چه از انشودان و فروگندان و پیش قدمان و سرمایه داران
 یکجا جمع شده دست بهم داده و در سعادت ساز ابای وطن شده اند
 وطن ما هم برود ما اینکه مقصود بر تاسیس مقدمات تشکیل اینگونه شرکت باشد
 باشد محتاج است

این را هم باید بدانیم کارهای بسیار خوب معینه بسیار شده است که با سواد
 گذشته از آنکه معینه فایده ندهد در ثروت خردی کلی هم گردیده است و
 رو اندر روز با نام ریا را نیست که گویم در وطن عزیز ما هم از اجانبان
 معینند با عقل و انصافی یافت می شود مانند آریاب میتی که در سائر ممالک
 باشد که میت آنان را معین نموده است بعد مستقیم سعادت حال و تعالی
 وطن با کمال آسفت می بینم احتیاج مان بسیار شده و روز بروز نشدند
 وجهت رض این احتیاج آریاب ثروت و سعادت را در وطن عزیز ما چه فرزند
 بیت اینکه و طیف مقدس نام نهایت و صف و حوت نماید و اجابت
 محسوری و سلسک و آریاب ثروت هم مشاوه و نماید ثروت و
 سعادت و قوت بجای جمع مل با چه حاصل شده است سعادت شرکت و من
 و ابای وطن باین احتیاج شان جهان سالی سلامت بیگانه آریاب میتی
 با کمال سید روی و کرده اند اما استقامت نموده ایم از این جهت با کمال
 شان جمع نوع ثروت است که نمودی ایم تا آنکه خفته ده نفعی کار کرده و
 یک تجارت صناعت راه هم در میان همگانی می گشتیم و هم هیچ درین
 هستیم و با آنها نیکه این و فایده مند و بهره در کرده اند اگر
 دیگر بوده و از اینس نیستند خدا که است آنان اینان هم نشان مییم

ولی آنان و اوسع الهیه را تصایح نگذاره با حسن شمال که عبارت گشت
 کوشش صرف بکار بوده با راه بکار می را پیدا نموده و موقع اجرا گذارند
 ولی این جو چینه کار تصور نیاروده و جهت سعادت آن خود و اختلاف
 در صد و تارک باب بر نیارده از غنای از قبیل آرزو کنیم و گویا بدای
 فی میرسد (بروشیر در زده پشای فعل + عینا خود را چو رو بپناه)
 و برخی از حین بران تبه روزگار چنان می بندازد انتشار معارف بنیاد
 مکتب تشکیل شرکت و اوج تجارت تکثیر صناعت قرض دولت است
 نیز قرض دولت و ادان اقبال و حفظ حقوق تعویض آریاب میتی که نمودند
 از دست نداد و با مجال اقیست تبصیر معارف کوشید و طریق تشکیل
 بدست آورده و اوج تجارت مملکت داده دولت را از اجانب بی یازد
 من را تا این ما نایم

ف و چسبند به نیم نشویم بسوز که چشمان هم که راست گویان که
 (استرآباد)

وقایع نگار جبل اللین میسوزید هفت قبل که از روز و جناب جلالت
 آقای اقدار السلطان دام قباله نوشته بودیم پس زور و مزی الیه تمام صلوات
 طایق و زوسای طوائف تراکم و عموم علماء اعلام و مجتهدین عظام و کلیه اعیان
 و تجار و اعاظم بله بجز مزی الیه نال شده هر یک بفرخشان خود سرور
 تقدت جو همسر نالی شده قشون امور استرآباد در کمال وقت از نشا
 که رانده و حقوق تمام افواج و غیره را پر دست اند از خیل افواجی که سان
 دیده شد فرج چهار دانگه هزار جری میر تقی عمده الامراء اعظم علیقلیان قریب
 بوده که از اقیست مواظبت علیقلیان سر قریب این فرج در کمال نظم و ترتیب
 و از بهر حیثت تجسس بر افواج دیگر گشته

ازتد اسلحه جناب جلالت آقای اقدار السلطان صلوات بزرگوار
 اتفاقات استرآباد دارند از جو بهترین خیانتان نیست که حکم نمی نماید
 فرمودند که تریاک کشان را کار گذاران حکومت برینا و میر شایع از یک
 کشی نمایند و هر کس که تریاک بکشد فوراً گرفته میسوزند و بدون استثناء
 و عیارات سخت توند

در آسهای این حکم این کمال و وقت مملکت آریابده انالی استرآباد از کوه
 زیرا استمال این سرفاقل که ماطع پیشه جیات نشان است سجدی در استرآباد
 داشته و مملکت که میان ده سه فرغانی توان پیدا کرده که تریاک کش
 از رجال و زنان جوانان سخن هستند که روزی چهار شمال تریاک میکشند

و هر روزی بحیثیت یاسی استیکان بانی بود که تریاک میخوردند اگر وقتی از
موقع تریاک کشیدن بچای نوشیدن آنها که در قالب بی روح میخوردند
کلیت بزودی ازین بسوگیری ای میزای ایشان و الله تعالی در استیلا
آن مایل شود

در هیئت که اکثر آباد و مازان در آن بیخ بار مذکی نشده و عمل در آنها می بیند
و کجند و شلوک و سایر عیوب است در نهایت خلاصت از یکاه قبل کبرنج است
که چنانچه من تبریز است هشت قران بود چند روز است که کبرنج کجند گرم زده
بر باری چهار تومان و چیزی بلامیخته و خیلی مردم در هشت هفتاد برای
سال آینده اگر خدای بخواند که گران شود از آن روز و نظام کبرنج را جلو گیری نکند
و در هر قسه یک بلوک ریخته فانت که در وزارتین از ترس حرمان شهر آید
یا یکسبک و مات مشول بوده از آنجا است که کشیده تقریباً نصف هشتاد
سالهای سابق اسال نشده و آنهم به علت آب شسته که ما از یک طرف روز
آور شده که میان کن امید باشد و است بموجب خطی که از مازان رسیده
باید در اینجا بیشتر از آنکه آباد شوند که ما

(کرمان و بلوچستان)

بموجب خط مامور شده خط کرمان و بلوچستان بده السنه از عدم بار مذکی برای
معموم مالی نهایت سختی و غلظت آثار غلظت است تمولین و ملن محترم
بسنوز خلاصت و حسب ملن و انباء و ملن را خوب جنبه و فطری هندوستان
اگر چه مکرر اعانت و مجالس منتهه اعانت را در اخبار درج کرده ایم که آن
افسوس که زیاد که از دست فرغ مشاهده اخبار فرمودند بلکه سده و بی هم که اخبار
بنام نامی ایشان میروند شاید منتهه صفت خلاصت نمودن را اندازد بر خلاف
ار پائی و مالی همیشه ستان امروز مشاهده اخبار و روزنامه جات را مقدم کرد
عبادات خود میداند و اطلاعات را سبب تمدن تهذیب از ذیاد و ملن
بالکسند و در شهری و قریه از بلاد هندوستان بدون حد خط و خط که
بجهت اعانت تراضیح آوزی نموده که شرح آن درین چهار کلمه برین
افنیسای ملن محترم که در شهر که یکی مثل کرمان که جمعیت آن شاید یکسبک از
یکسبک باشد یعنی ثواب اسباب فایده است بر این جمعیت که غیره فراموش
بلکه هر کس جزئی نلذ دارد و در میورد و نهایت بی رحمی میخواند قیمت کرمان
بجز شده و تمام کرده زمین و باقعات تمام ملن از ملن و ملن کردن آذوقه
نوع انسان مذموم است در ذل ترین مردم کیست که فایده ازین میخواند
و شرف حال است ازین فرمایند به برود مردم محروم که بنی آدم غنای یکدیگر

که در این شهر یک جوهره البرکت حکومت و الی در ولایت هم
نیست و از کل ضرر خارج یک شهر را به نوبه اول اعانتی که لازم است
درعت و لطیف شایسته و جماعه ایشان است که در همه موارد نظر در محبت و توقیر
خصوصی بر مایای خود نموده آنها را اعیال خود تصور نموده و تقصیر می بیند
بر اسباب محترم و مجالس آن در مرق که از این عمل منس نباشد و همین که این
از فایده شخصی خود پیشنهاد ثانی حکومت مسلم که نماینده سلطنت سید است
و جمعی غلظت و ناز و غذا و خلق مسرت نگاهداری فایده از تقاول و استمرار
و ملن ظالمین خط نماید و بی لجنه حکومت بجای یک کتک بدش در جبران مقام
استیضات تربیت این نامه خود بر آید و بطور چه بدانی در اوقات لازم و ذکاوتی
در صورت عدم قدرت فراهم آورده بعد در مورد تمول شخصی طرف ایشان
فرا بده

و دیگر انسیله و قلمه ان البرکت مید آید که بیخ لذتی در عالم بهتر ازین نیست
که دولت خود را صرف آباد و ملن و وطن عزیز خود نماید بر آنها لازم است
که مجلسی در کربانهای طعام و تجارت و اربابان تمول منتهه ساخته فایده احقا
و ذل آن و ملن را یاد آوری آنها نموده هر کس بقدر عرصه خود اعانتی نمود
بموجب قانون غنی صرف مالی شده نمایند

الحمد لله در عهد این المصنعت شایسته و جماعه که در مقام دیانت و احسان
و ملکت داری رب النوع و اول ملوس نیست آنوس بالیات آن و حکومت
کلیتی خلاصت بدل فرموده اند یعنی قواعد مذموم که خوشی نامی قسیم
در کج شده منسوخ شده است که یکسبک خوشی انبار شهر را جلو گرفته و سخته
جسد نامی ملن محترم شخصی یک شهری را عزای میزند و در زیاد و سبک است
ده و دو کم میداد خاک و فاشاک را با کدیم میفرودنت از انظار فانی و محاسن
و خوشی در هم و مقابل فایده میسر است در هیئت که در وقت جوهر است
یا چنانچه هستی خود را صرف معاش اعیال خویش نموده و بجز این است
میتوانند یا خوار نموده و مالک ماریه مسافرت میکند اگر شخصی یا چنانچه
بسد باید کسبهای طبیی و ملن عزیز خود را بگذارد در دین و در آنجا
گرم با آب هم که نوزد و درخ است و ملن بی نظیر اینها به از شرفی نامی
ملکت که اقیامت ارض مسافین در آنها ملن تعیین میکند واقع شده است
بر حال اگر کسی بهتر رفتی کرده و شوره داشته باشد که باید خطا نوس ملن
خود را منتهه و در خود یا حق آن همان قانونهای قیوم ایشانست یعنی که در
وزن و بسن و در کفن نیز که از بجز اینهاست و از زنده آنان مطابق مایه نیست

(جبل المتین)

امید داریم غایت سبب برادران محترم کسی است که با ما در این ملک است
 و در جستان خود به پنج جناب علم شایسته در در مقام تخیل اجناس و در این
 غذا نایب و در اصل شیما آنها نیز به هاله کلاش سخته نموده برادران ما
 افانت کرده نموده افانت آنها را برای ام نیک درج اجبار نموده ابد الهم
 نیکی آنها بر مغز روزگار باقی باشد و خداوند یار و اشرف است
 و به هیئت از جناب شی الخوانب فی حضرت شاهنشاهی دام الیوم غره و دولت
 تحیف شایان نیز در محنت خواهد شد و اکنون کسی در دست نگرفته
 اوقات که نوشته جات معیده با دارة جبل المتین در این باب رسیده
 از انسانی دولت ابدت ایران است عاچناست که به حفظ دولت و تقوی
 توجیه خصوصی در این فتنه که فرمایند که این معده در عایای ملک که در
 بشهرهای خارجه و نه بخصوص که منزل قالی نیز در همین کل جالبه کشید این شهر
 رسایده مافظه و لطفه تود و ما گفتن است پس

حصول امید واری از توجیه ایرانیان

در این هفته جناب سلاور الاطیاب الطام عمده القبار الکره اقامه میانه
 از رشت بدون سبب مکتوبه با دارة نوشته پس از قیادت زیاد از این
 خرابی جبل المتین که دال است بر مصارف شایسته آن را بسیار سلیمین
 کرده محض تمیل آن رای و تشکر از سعی الیه لازم شد در کج و در جبل المتین
 تا خنجان و الم بصیرت لطقت شود که به سنوز در ایران مصارف شایسته
 هستند که اشاعت اخبار استلی از جلا حضرت و خیزات مبرات عمومی تصور
 میکنند الخ اروز بهجت بیدار شدن قلیت ایران از خواب غفلت گذر
 در شکست خیالات آن میدان واسع ریقات و سیقل عقل پیش رون
 فیزت و قیاس از ریقات خیالات ملل هینه تیر از اخبارات نیست
 اندکس که به سوز قلیت ایران تیر وقت از فزاد اجبار شده و چنانچه خاری
 مطالبه کنند بنیانت تیرین تکلیف است خداوند چشم بصیرت و به سینه
 محرم موصوف میفرماید که بعضی جبارخان شایق در بلاد ایران میباشند که قادر
 بر سیرین خیار نیستند لهذا در وقت دارة جبل المتین بولکای خود میفرماید
 که در هر شهر خیار را بر اهل که در ایند تا بر کس شود بخواند و باز در هر شهر
 از اخبار فائده ملک است نباید شایسته که جماعت اینطالک آن
 محرم مانده و نیز در اخبار را به نصف قیمت بخران کرده اند که او را که نزد
 و کلاه خود فرستاده بجایان قرار دهند تا عامه مردم که در دست بر خریدن اخبارند

(جبل المتین)

مقام هزاران لشکر است که جبل المتین در نظر دانشمندان قلیت ایران
 ستای مال کرده که بعضی مصارف شایسته و تشبیه و تیر از جلا حضرت و
 مبرات تصور کرده اند خداوند زیاد برین بیت بار در همواری دولت و نیز در
 لخت خالص میاید و ما از جناب سلاور الاطیاب تا سید رسالتا جو رشتی در هر
 بعارف ایرانیه لشکر که ایم و از خداوند سلسله نظام که مثال این وجود معارف
 شناسه از ما فرمایند

بخیال ناقص سلسله جهانی که این شخص محترم فتنه نموده اگر به سبب
 ستین قابل هزار گونه تحسین است ولی اینکه در هر شهر یک جنازه اخبار بجای
 کافی از مقامه و ایشان که انتشار عمومی باشد نخواهد بود اما از یکسالی تا طرف
 افزیده بوده که تیریری ناختم تا اخبارات فارسی که اینک خصوصیت دارد از یک
 حاصل نماینده بکل قوه الملی تمام درین محل غلبه نموده اما مشغول از خداوند

(قابل توجه و کلامی محترم ایرانی)

بزرگ محبت که قبول نموده در محنت و کلمات عرایضی از شعبه قلیت است
 کوشش و کلامی محرم در اینهمه شایسته مصارف قلیت است از انچه مصارف عمومی
 سنات بن جبارانی بسیل الله میاشاهد با کمال ادب از کلامی محرم شرباز کرم
 اصفهان - طهران - خند اسان - تبریز و سایر شهرکیم که اطلاق را در یکی از
 مدارس با معانی که عمومیت داشته باشد باسم قرائت خانه مخطوفی معین نمایند
 و تمام اخبارات فارسی را در آن قرائت خانه هر هفته بگذارند تا بدون
 بر کس که از خواندن اخبارات بهر که چون قسده است خانه علاوه با جناب
 و کتب خانه که از لازم اوست از قبل غرض چه سرخ و نو کرمی که در دوازه را
 باز کند و به بند و اخبارات را تازه و کهنه کند بدون مصارف تمام نمایانند
 لهذا دارة جبل المتین بهر یک از کلامی موصوف دران بلاد که در اجابت
 میدهد که از ابواب می خود بخ تو مان علی العباد در مصارف با عینه فرستند
 ضروریات اجسته الی آن مثل چراغ و غیره صرف نموده و به راه یک تومان
 در مصارف ضروریه آن یکیش می آید صرف نمایند ولی شرط اعظم بنیاد این قرائت
 است که افقیه آن از حضرت آیات و حکومت طایفه نمایند و نیز از کلامی اعلام
 و اجازه در خدمت محکم نموده پس از حصول اجازه میاری خداوند و وقایع
 شاهنشاهی متبع الیه السلیق بل قابل قیاس است غرض القناع خرابی و فزاد
 فتنه افغانه ای عمومی فزاد و اخبار که در آن شهر اشاعت و توجیه شود به

عموم ملت سخن راست ما خود هم به ریاضت باطلای محرم بلاد موعود
عاشق ضرر من من نموده آه البیس از تمام و کلهای محرم در معذات این
علی که با شمشیرش آمدن محرم ملت است و آمد و نمود ای که سبابتی ادا
آفرینانه باشد نوشته خواهیم فرستاد

قابل توجه عموم محرمیان یعنی اخبارات فارسی

تف قرص اخبارات در فیضه ذرات آنها این نیست که مقالات شیرین در قریب
ملک و ملت نویسنده و ادوات و بیسته را پیش نماید اخبار با ایم مسلم باشد
و هم در بی شوق و بسیار خوانده کلیه است که بجزئی صرافیه عاید ملت میخواند
شده ولی ملت از راه و رسم آن واقف نمیشاند اخبارات لازم است که این
انگ صراف را بر خود گوید اگر کند در شرق عاید ملت و هند چنانچه قالی
در موم شمشیر ملک تمتد از اخبارات ملی اداره کرده اند زیاده برین بیان
ما درین مورد متوجه محرمان موضع و محاسن است فراموشی قرآن
بای ملی نه انقدر به هیبت که لازم باشد برافا شد دلیل از اینست که در هر طری
از ملک تمتد زنده با قرائت عمومی است که در هر قرائت خانه هزاران کاتب
و صد اخبارات گزارده تا کس که با او استفاده نماید صرف در یک شهر کلمه
بر سصد قرائت خانه و کتب خانه اکل تمتد یکی از اسباب نشر عمومی شدن
صراف راقه است خانه های عام خاص میداند و حق اینست که قرائت خانه
اسباب نشر صراف عمومی و ملت ملت و عقل متوال است اخبارات در حق
عمومیت پیدا میکنند که بواسطه قرائت خانه های عمومی و اینست که اخبارات
ملت در حال سهولت تمام میگردد و هرگز نالوده است از شهرهای مسلم
که هر یک با ملت نشین خود بزرگیت گزارده و ملت از فرادان بهره مند
گشتند در اندک زمان صد قرائت خانه باز شود شهرهای کوچک هم
مزایا کنند و فرستاده اخبارات در ایران عمومیت پیدا کند و صراف ملت فتح
گیرد و علوم اهل وطن محرم رخصت بصراف حاصل نماید اگر چه بطریق بصیران راجع
اینست که در مراتب ملت از این راه و شمار است ملی بطن است در تمام ملل آنگاه که
ترقی و ثواب بوده و دست امید و ایم بهر ای محرمان محرم این امر از خود
آید و در قریب زمان در هر قرائت خانه هزاران کاتب هم موجود شود از دوا
و خارج صراف شناسان ملت کبهای سفید و قرائت خانه نامانند
و اینست که بسوی کفرین ملت ملت شود اما از مهران محرم خود علی العموم
و در تائید بهر اول که بقوت و پیش از در علم خود فوائد است خانه

در تمام استخراجه از هر وقت ایرایش بر امام خاص در اخبارات خود ظاهر
دوم از اقتضای قریب آفرینانه ای مذکوره از فرستادن بخت خود اخبار مبارک
خود در بیخ فخریاید نایزدین محرم سید با شمشیر خواهیم کرد به جهت متعارف بود
و مسلمان قوم که اخبارات باشند این است خانه اما اصلاح و تمام شمشیر
و اگر این امر از خود فضل آید باید از بیانات صافه جناب سید و الاشیاء العالمیه
سید رضا شری که محرم که این خیال بزرگ بوده اند دانست علی العباد و اخبار
جبل المتین را بر نصف قیمت که خود نموده بوده نژاد خود جناب موصوف محرم
نادر کلمات بهر کس متوجه بر او داده اند تقسیم نموده تا رضی الله عنده

قائم و افتتاح شود و امید داریم که کاتب (پوشه)

و قایم محرم جبل المتین می نویسد از وقتیکه محرمک بوشهر تصرف بانک آمده
عمل محرمک خلی نشویش است حق فانی از اجبه از محرمک و محاسن اشیا محاسن صرف
بلکه در باطن شاید با هم شریک باشند به جهت چند فقره در محرمک هستند که اسباب
معالی باشند در سواد و سرگردن سنی از آقا جان تجار و شکر با خود و چه از خود
بر سه پیشرفت میکنند شب روز زمین زود آب میکنند ام تجار محرمی که
در اینکار میکنند بعضی فرعی از کمالش غرضین میسوم و لکن یکی از آنها
رکن و بکن بوشهر و تجار هست سایرین هم همه محرم و صاحب اعتبارند غلام
عالم با شیاه مال مردم را میدزدند بجزات میرسانند آنها میفرستند شریک
حق صد صدوق قریب مال کجانی فارس را نیز پاک برده اند سنی و دو گشت
و کج کجانی است و شش کجالی اکنون بنده شده است (در سیزده فروردین
بود بشارت) گشت از بیک گشت نداشت سخن نتوان کرد
در راه ایل راه ربیع الاول چهار (پرن) از لندن وارد شده قاش ملی داد
دوستی می گزی قاش در یک باره از جاز پیا و شده وقت خود
دارد محرمک کردید که محرمک خود را بنده است و بجزیم که در این قاش ملی کباب
و طایفین چهار و کج میزد و او باشد عالی شیاه دیده میوه شب را اندر گرم
دخه بود که ربیع با و میوزید مع دیدیم نسیداد و محرمک بلند است عملیات
گفته نگارده و شب غرق و ۳۰ گزی قاش و قاش است عالی
چکرده اند صد گزی بزرگ از قاشها با همان شب جاسیاس کرده بود صد و سی
گزی دیگر که گوشه گوشه درین کنایه در یاد است و شکسته بوده و خوب است
گزی (اگ بنده) بشکندن بر جادو آب قاشه مثل سرب است قوری قوری میزد و بنده
نیست که روی آب بچرد و بطور آن در محرمک که تیرها شمشیر شده اند از نیم قاشها

سیکندری آوردند

گذشته ازین سیکو بند بکاره بزرگ بود آب نصف شش گشته بکاره برگردید
خوب که چینی باشد تمام قاشها روی هم در لکباید تل شده باشد

خلاصه چو عرض کنم

آدم حکومت با ایورگری کار که ازای شمول بیرون آوردن قاش تا باشد
قول صد گتری سیک قول شش گتری از آب بیرون آورده و یکل میره اول
و اسلام (مراج) نمود کم ایند که کرد و سیکو رشوه گرفته ساکت شده
چندی گذشت که تبه خجابه گتری بسته قاطری از قاشهای بی

رسیده نظر از تجار محرم و دیگران شیرازین که حکومت فارس آهشت بود
آقایان از نام افتاد و بعد شیراز که غالباً همراه آنهاست روی خواها بود

و بیایالت بگری رتاسپرده حضرات در شهر روانه متفق شده لنگر افکند و کتبا
پرنخل بود یعنی قاشهایی که در راه بود صیهار در کار زدن و برنی را در

باز چون خیره نگاه داشتند که شیراز زود از آن طرف یکیل میره و او هم اگر
از اول رشوه خورده و شیک دزد بود و مالک روانی فسه ام به باطلاق بود

فقره اخیر از اینچیز که از دربار گرفته اند و لیکن امه اولابسی خواهد بود
بخت صاحبان مال که هیچ جانی نماند در شیراز و اینجانبانند تیرگی

بشهر آمار داده است

در پوزنه نظر را پولیس گرفتار کرده که شمول بیک زدن رو پرتاب بوده اند
این در فصله شده که مصالحت آمد میان فرانسیس و روان فرانکی نوشته شود

و هر دو در مالک آمده اصفهان باشد

در اگر یکی از حضرات سطره ایگلی که دارای چند فرزند بوده شهر خود را بر خرد
بایکی از نوکران فسه کرده است

بهشت خصوصی باشد اگر آن نامی از آن نامور شده بهینه یا به بهشتی تمام
در چو به اینجمنی قائم شده که در علم کبیانات خود قابل نمایند یکاش سار

مالک اینگونه اینها بهشت از آنستند میشد

در صورت مسبق واقع شده چهل دکان نونقه بیست و چهار در پوزنه
رسانیده است

شش هزار نفر باشند که در مروج از خوف طامعین فسه کرده اند
(تاسف)

تاریخ ۲۵ شهریاری ازین یکا شمس العلاء آقا میرزا اسماعیل مخلص

حیرت که شهر با قایم زاجرت بود در بیسی ایچان فانی را در وقت

یوم چهارشنبه جازه آن مرحوم را با تمام نام بفرستاد ایرانان برود و در

رسمه واسعه آقا میرزا حیرت کی از دانشندان ایرانیه و صاحب قلم بود و در

تاریخ نکلکم هم از آن مرحوم پیش در ترجمه درامات الفاظ آورده بود بیکر که در

افکار ایرانیان تبهم گردیده و حقیقت درین بحث طاکر در کلمات ترجمه لفظی نموده

در کبر سن شروع خواندن اینکلیسه کرده و از آن متقی نمود که ما به منتقد پر از

دولت یکس بوابش بود این شخص غیر بیایه است جمله تحصیل علوم

و زبان یکلیسه را کرده درین اواخر نهایت آموخته بود الحی قدان این در وقت

خیلی باعث کنه و آثار خاطر دانشندان کرده و ما سن به شمه از

مالیات ایشان خواهیم داشت

(اخبارات خارجه)

دولت امریکا سن با بجهادات جنگ بگری بجهت سال آینده چهل و

لیون دار (ریال) سطره نموده که در بزرگی صرف نماید و اکنون در

بسیج زمان دولت امریکا اینقدر در قوه بگری خود صرف نموده است

سال گذشته سی چهار لیون صرف قوه بگری خود نموده بود

قاتل امیر ایریس استر با از طاقه انار کست بوده و درین استخلاق انهار شده
که سن را زده قتل دو یو آف ایریس فسه انده را در اتم موقع بترم نیاید این

شخص خلی در یکی از اخبارات که کوسوم پریشان است بلع نموده که تا چاه
روز راسته بقتل اند

فاقسرب کاکس تشکیل خواهد شد که در کب از ولای تمام دول باشد و بتر
خواهند که در دفع و افند اطمینان است

در قتل دو قشون مصری سلطانة قشون یکلیسه مع سعادت کرد
میگویند که دول عظام سطره که به نفع باشد ایضرت سلطان را رضی نما
که قشون خود را از کبریت طلب فسه و بعد از آن سن با بتره والی کبریت
بست خواهند که بقول اخبارات یکلیسه دول رنگ طلبا مثل اند که بوسه
یرمان پیش تاریخ والی کبریت مقرر شود ولی خیال بسیاری اخبارات یکلیسه
همینوز خواهند
قشون جنگ بودن بجا بره باز آمده ولی بوشن کالیف مشاق زیاده بسیاری
سلطان فساد هم کم نازک شده و قشون است که کالیف فانی بکشد
مردم دران پاریس بهم اتفاق کرده ترک کار کرده اند این امر زیاد
مورد تیش شده است

امیر لرد المان و اکثر کراخ را مقصد فرموده که کمین با بیست هزار
تحقیقات نماید و اکثر موصوف با قاضی ازو اکثران دیگر در ایتالیا و یونان
و مشرق افریقا و یونانی و قندهار تحقیقات نمایند کرد

دولت بجز مستند است و سلطنت را آهین مرد و تا شکست خاات بخلی
سلف صاف جینو سینه بنده رسیدن بپندستان روس افاضه این راه
کنند و فو ده هفت میل است هفت صد هزار در رومل آغیزه مصارف او
این راه آهین دو سال ختم فرماده و چهل و هفت ابراتی خواهد یافت

انگلیس میگوید که روس از یک طرف اعلان صلح میدارند و از جانب دیگر حرکت جنگی
میکنند چنانکه انگلیس است دولت انگلیس را منع میکند از شرکت صلح عمومی

جسوسی از نیاسیون میگوید که ماکان چین گذشته از این خبر بدین واسطه که نیاسیون
میفاید که قبل از اقامتی باز در مساعیات ملکی مساعیات آنها اگر واقعه پیش آید
بازگشاید

روابط دولت بزرگ اسلام روز افزون در ترقیت بطریق فیزیکی است
این دو پادشاه در اسلالت و سلاطین در نهایت کمین ماریست

میگویند بانی اتحاد این دو دولت زیر دولت خارجه ایران است که
اهم عالی غیر حال میل و رغبت را باین اتحاد دارند

دولت چین بجهت ساختن راه آهن بهنگام مشکافی سیصد هزار پونگه اند که
دولت انگلیس قرض گرفته

قانون روس نسبت سائره ملل سنگ و گوگرد دارد و چون شده صد علم
چین و درین راه اظهار اراضی میکند

اسسال در یکدیگر نمودند و حضرت سلطان سیخ آتش بازی فرموده که گوید از
در پیشتره تسلیم صرف تا چه اقبالی منع نبود

رجال دولت علیه عثمانیه در صد و اندک آسادی قائم نمایند با چند دولت
که در چرخش بیستی از دول فرنگ قوت آنها خود را نشان میدهند

و کار خود را پیش ببرند
علت اصلی مرض بعضی دول من با یکدیگر است چنانکه مسالمت حاصلست

میدانند همین ندرند دولت عثمانی از اختلافات اندوهی ملکت خود را
حاصل کند هر که از میان هر طرف مان خواهد کرد و لطف ابرو میدهد

دولت عثمانی را با خود نمیکند
یکی از اخبارات مخالف میونیه که اگر دولت عثمانی آسایش خود را در این راه
با انگلیس آید و دیگر بجهت از سر بشود لازم میمان نیست که این حال

سیرین صواب است تا از حد عقل عبادت کند نماید
بینه لار در کربلای فرزان فرمایید بپند آید ازین سلفتان بیک مقصد است
(متمم تکلیفات خارجه)

میست بهنرم هادی الاول سی است هفت قنون دولت ایتالیا و اردون
دولت فدرال بنده و دولت چین را ایجاب کرد اگر ایران فرانسه که
با فیسان در کای چون گرفتار شده باشد با نژاد دولت فدرال قنون
خود را در سر بین خواهد یافت

باز تهر و چین گزیند میسورند که حسن قیمت امیر لرد المان در حین
و مسافرت معروضه امتیاح و بیخ استاکار بوده در بواسطه خوش
سیاستون رنگ

در اسکندریه شخصی را از خاطر اناز که مست که از وقت ایتالیا بوده با انگلیس
زیاد کی فرزندها را داشته است که بزم قتل امیر لرد المان معروضه بود و در
انار که مست موصوف و در بواسطه قتل امیر لرد به بیت العیس فرستاده
در وقت روانگی آنها دو صندوق نارنجک را جسته ای مگر کانه میدید
به دست آورده اند

اراکین دولت فدرال معنای قنون حین این را مضمی میدارند و کولی شخصی
دشمن این جانب را در جنگ فرستاده بود و تصور میکند

باز دول مقام را با بیابالی من باب کسریت پیش نموده اند که مطابق
دولت عثمانی عمل نماید و درین عهد اشتباه شده اند و مسئله و استیضاح

دولت عثمانی در کسریت باقی خواهد بود هر گس کسریت است حکمت دولت
شمانی خارج نخواهد شد

یکست بخت در سائره فساد و کس و کس و مجرم چند سار برار و از فرط نومند که
اخبارات فرانسه جان آنها میدارند که اهل سیف ساپه نموده اند در کسریت قتل کامال

قنون بجهت میسوری نیست این سالیست بجهت سبزل بکسریت که در این جنگ بکسریت
میست و بهنرم هادی آنها اخبار اینکه از پاریس بیاید بیاید و بیاید بجهت این

چهار قنون بیاید بکسریت و در آن که دست بکسریت از بیاید بجهت این
بینه [کلاسه]

بجهت الله و الله ازین حکومت با اختلاف که در کلکطاطون نیست و تمام
قواعد طاعتی را بر او بنده من استیلا میماند اما آنکه کسریت باقی

خواهد بود غالباً بجهت باران طوفان بود از پروردگار برسان شده که
آن صند روز باران را خوب جنگ شده بود و صحت می این ایام بود تبدیل میسورند
جلال الله